

## بررسی چالش‌های حقوق کیفری در جرائم مواد مخدر در ایران

علی کرباسچی<sup>۱</sup>، امید دلاوری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴

### چکیده

هدف پژوهش تعیین قلمرو حقوق کیفری است. سطح مجاز مداخله حقوق جزا به‌عنوان شدیدترین نوع مداخله در حقوق و آزادی‌های شهروندان با پیچیدگی‌ها و دشواری‌های متعددی مواجه است. اصل حداقل بودن حقوق جزا به‌عنوان یکی از اصول بنیادین این دانش، فن و ابزار کنترل اجتماعی با تأکید بر آثار سوء مصرف مفاهیم، ابزارها و نهادهای حقوق کیفری در تلاش است تا قلمرو مجاز حقوق کیفری را تعیین نماید، روش پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت فیش برداری است.

پژوهش حاضر با توجه به سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که رویکرد حقوق کیفری ایران در مبارزه با جرائم مواد مخدر با چه چالش‌هایی مواجه است و این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که هزینه‌بردار بودن، گستردگی فراوانی جرائم، عدم تطابق جرم با مجازات و عدم دستیابی به بازده مناسب از مهم‌ترین چالش‌های ورود حقوق کیفری در جرائم مرتبط با مواد مخدر است.

**واژگان کلیدی:** حقوق کیفری، مواد مخدر، جرایم

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز

۲- کارشناس ارشد مواد مخدر دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسؤل) - [Orbm.dddj2018@gmail.com](mailto:Orbm.dddj2018@gmail.com)

## مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر امروزه یکی از معضلات اساسی زندگی بشری به شمار می‌رود. نزدیک به یک قرن است که جامعه بشری در سطحی گسترده مصمم به چاره‌اندیشی اساسی در مورد این معضل شده است. می‌توان گفت که در طی این مدت در غالب کشورها، مصرف، سوءمصرف و اعتیاد به مواد مخدر جرم شناخته شده و برای مرتکبان این جرایم مجازات‌هایی تعیین و اعمال شده است. ولی به‌رغم اعمال مجازاتی سنگین، هنوز هم این مشکل، از جمله در کشور ما ایران، رو به گسترش است. تصور غالب، حداقل در ایران و مستفاد از قوانین تصویب شده در مورد اعتیاد و مصرف و سوءمصرف مواد مخدر آن بوده است که باید با معضل مصرف مواد مخدر و بخصوص اعتیاد به شکلی قهرآمیز برخورد کرد. به عبارت دیگر، دیدگاه غالب در برخورد با مصرف و اعتیاد به مواد مخدر، دیدگاهی سرکوب‌گرانه بوده است. ولی آنچه مسلم است، این است که علم پزشکی فرد معتاد را بیمار می‌داند. بدیهی است که باید با بیمار مطابق اصول درمان بیماری برخورد کرد نه سرکوب‌گرانه.

به‌طور کلی، جرایم مربوط به مواد مخدر در حقوق کیفری به‌عنوان یک زیرشاخه اختصاصی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در وهله اول، برای شناخت دقیق‌تر و یافتن راهی کارگشا در ارتباط با حوزه جرایم مواد مخدر، مجازات و دیگر اصول جنایی حاکم بر آن، عاقلانه‌ترین کار، شناختن قانون حاکم بر آن است. در این خصوص، اولین قانونی که بعد از انقلاب تصویب شد قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ بود که در سال ۱۳۷۶ اصلاحاتی چند در آن صورت گرفت تا اینکه برای بار دیگر در سال ۱۳۸۹ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاح شد. لازم به ذکر است که در مهرماه ۱۳۹۶ ماده واحده‌ای تصویب

شد که به شکل قابل توجه و محسوسی از اعمال شدت و حدت مجازات موجود در قانون سابق مبنی بر مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر کاست. به طور خلاصه، در حال حاضر مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر تحت شرایط و قیود مذکور در ماده واحده است که احراز آن قیود و شرایط هم به آسانی صورت نمی‌گیرد. بنابراین، در حال حاضر مانند گذشته نمی‌توان شاهد فراوانی و طیف وسیعی از اعدام توسط قضات دادگاه انقلاب باشیم.

پژوهش حاضر با توجه به سؤال اصلی که مطرح می‌شود، این است که رویکرد حقوق کیفری ایران در مبارزه با جرایم مواد مخدر با چه چالش‌هایی مواجه است و این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که هزینه بردار بودن، گستردگی فراوان جرایم، عدم تطابق جرم با مجازات و عدم دستیابی به بازده مناسب، از مهم‌ترین چالش‌های ورود حقوق کیفری در جرایم مرتبط با مواد مخدر است.

ارتباط میان جرم و مواد مخدر یکی از پیش‌فرض‌هایی است که همواره سیاستگذاران از آن برای جلب اعتماد عمومی و ضرورت مبارزه جدید و شدید با مواد مخدر سود جسته‌اند. به زعم آنان، کیفرهای شدید واکنش معمول و مناسب برای مقابله با این جرایم محسوب می‌شود. این مسأله در حوزه مقابله با عرضه مواد آشکارا دیده می‌شود؛ به طوری که مقام‌های عدالت کیفری با تعیین کیفرهای شدید به دنبال حذف عرضه‌کنندگان از بازارهای مواد مخدر و به تبع آن کاهش جرایم هستند. بررسی خاستگاه قانون مبارزه با مواد مخدر، نشان دهنده وجود رویکردهای سختگیرانه در تصویب قوانین کیفری در حوزه مواد مخدر است. توضیح آن که در یک دوره قانونی در نظام عدالت کیفری در حوزه مواد مخدر است. همچنین، مجازات‌های سختگیرانه در جرایم و مجازات مواد مخدر پیامدهایی پیش رو دارد.

بنابراین، از آنجایی که ورود حقوق کیفری آخرین راه حل است و پر هزینه‌ترین راهکار موجود است، آن را اولین راه حل پیش رو قرار داده‌ایم و اینکه چرا باید این همه هزینه را متقبل شویم و کم‌ترین نتیجه را به دست آوریم؟

مضرات و آسیب‌هایی که اعتیاد به مواد مخدر و مواد روان‌گردان و جرایم وابسته به آن در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر جامعه و کشور ایران تحمیل کرده‌اند و همچنین افزایش روز افزون میزان بزهکاری و محدودیت‌های نظام عدالت کیفری رسمی برای کنترل جرم و اصلاح مجرمان، سیاست‌گذاران و مدیران عدالت کیفری را در معرض انتخاب‌های اساسی قرار داده است (اسعدی، ۱۳۸۹).

در این پژوهش، ما به دنبال یافتن پاسخ مسأله اصلی که «مهم‌ترین چالش‌های حقوق کیفری در جرایم مواد مخدر کدام است؟» هستیم.

به طور کلی، حقوق کیفری مواد مخدر به مجموعه قوانین حاکم بر شناخت انواع مواد مخدر، طرق ارتکاب جرایم مواد مخدر، طرق تشدید مجازات محکومین و همچنین مجازات‌های حاکم بر آن است. مبنای جرم انگاشتن این جرایم هم به طور قطع در درجه اول، برهم زدن نظم و امنیت سلامت جانی و روانی افراد به عنوان عضوی از اجتماع است. به عبارت دیگر، اکثریت قریب به اتفاق جرایم محل نظم عمومی هستند، و به این دلیل است که خلاف حقوق خصوصی در حقوق کیفری شاکی خصوصی وجود ندارد؛ بلکه مدعی العموم (دادستان) به عنوان نماینده تمامی افراد جامعه با ارائه کیفرخواست به منظور مجرم شناختن مرتکب به نوعی در پی بازسازی نظم است که در جامعه مختل شده است. در این خصوص نیز از نظریه‌ها و مکاتب حقوق جزا و جرم شناسی مکتبی است که اعتقاد دارد با مجازات فرد مرتکب، نظم که بطور موقتی از آن محل سلب شده است، باز می‌گردد. بنابراین، همه جرایم خاصیت «عمومی» بودن دارند و به نوعی برهم زننده نظم و

آسایش عمومی هستند. به طور خاص، جرایم مواد مخدر با توجه به ماهیت آن‌ها و همچنین نفع فراوان اقتصادی برای مرتکبین و قاچاقچیان آن دارد. ارتباط میان جرم و مواد مخدر یکی از پیش‌فرض‌هایی است که همواره سیاست‌گذاران از آن برای جلب اعتماد عمومی و ضرورت مبارزه جدی و شدید با مواد مخدر سود جسته‌اند. به زعم آنان، کیفرهای شدید واکنش معمول و مناسب برای مقابله با این جرایم محسوب می‌شود. این مسأله در حوزه مقابله با عرضه مواد آشکارا دیده می‌شود، به طوری که مقام‌های عدالت کیفری با تعیین کیفرهای شدید به دنبال حذف عرضه کنندگان از بازارهای مواد مخدر و به تبع آن کاهش جرایم هستند (امیدی، ۱۳۸۸).

توضیح آن که در یک دوره قانونی در نظام عدالت کیفری ایران رویکرد سهل‌گیری نسبت به مواد مخدر تحت الزامات و فشارهای بین‌المللی و همچنین افزایش بیش از اندازه شمار مصرف کنندگان، به تدریج جای خود را به راهبردهای سخت‌گیرانه داد. به طور خاص، اولین قانونی که مجازات‌های سخت‌گیرانه از جمله اعدام و حبس‌های طولانی مدت را برای بزهکاران جرایم مواد مخدر مقرر کرد، قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک (مصوب ۱۳۳۸) است. در راستای تاکید بر رویکرد سخت‌گیرانه، قانونگذار در هر دو نظام میزان مواد نگهداری شده را به‌عنوان معیار اصلی در تعیین میزان کیفرها قرار داده است. به باور بسیاری از متخصصان، این رویکرد دچار ضعف‌ها و ناراستی‌هایی است که پذیرش آن را به‌عنوان یک الگو در معرض چالش قرار می‌دهد.

تعیین کیفر بر پایه میزان مواد در پرتو نظریه بازدارندگی - اندیشه کهن عبرت‌آموزی از زبان فیلسوفانی همچون بکاریا و بتام به‌عنوان خصیصه بازدارندگی مجازات‌ها تعبیر و در گفتمان کیفری معمول گردیده است. این توجیه فایده‌گرایانه از

رهگذر سه ویژگی شدت، حتمیت و سرعت قابلیت بازدارندگی اشخاص و مرعوب ساختن آن‌ها را برای پرهیز از بزهکاری یادآور شده است. حمایت‌های نظری اندیشمندان از این سنت کیفری، موجبات الگوبرداری گسترده از آن را در نظام‌های تقنینی گوناگون و جرایم مختلف فراهم کرده که بر پایه آن نمایش چهره قاطع، شدید و سریع کیفر، با بی میل ساختن کنش‌گران نسبت به ارتکاب بزه، آنان را به شهروندانی مطیع قانون تبدیل می‌سازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۱۲۸۱).

کیفر جرایم مواد مخدر از جمله مقولاتی است که رد آن مبنا بازدارندگی مجازات‌ها به طور ملموس مشاهده می‌شود. در واقع، متولیان نظام عدالت کیفری با اتکا بر حساب‌گری کیفری بزهکاران مواد افزایش شدت مجازات‌ها را بتوان پاسخی مناسب برای این بزهکاران معرفی کردند تا هم بزهکاران از گردونه عرضه و تقاضا حذف گردند. و هم بزهکاران بالقوه از ورود به بازار به‌عنوان گزینه‌ای ضرر رسان اجتناب کنند. به همین جهت، نظریه انتخاب عقلایی یا خوانش اقتصادی آن به نام مطلوبیت مورد انتظار به الگوی برگزیده جهت کیفر رسانی بزهکاران مواد مخدر تبدیل گشت. بر این اساس، اختصاص بودجه‌های فراوان برای تامین لوازم بازدارندگی مجازات‌ها همچون افزایش شمار بازداشت شدگان، تعیین مجازات‌های طولانی، تامین زندان‌ها و اقامت طولانی مدت در آن، برآیند وجود چنین نگرشی در نظام عدالت کیفری است. برای نمونه، ایالات متحده آمریکا هزینه‌های زیادی را برای مقابله با عرضه مواد مخدر اختصاص داده که مقایسه آن با هزینه‌های مقابله با تقاضا، برآیند اولویت مبارزه با عرضه در این نظام کیفری است، به گونه‌ای که در سال‌های طولانی پس از آغاز جنگ علیه مواد، همواره دو سوم بودجه به بخش عرضه و یک سوم آن به بخش تقاضا اختصاص داده شده است (هاساک، ۲۰۱۰، ۱۶).

دومین شاخصی که برای تعیین شدت جرم به کار می‌رود، تقصیر است. تقصیر به معنای سطح سرزنش‌پذیری و پاسخگویی بزهکار در برابر آسیبی است که ایجاد کرده است. به باور ون هیرش، تعیین کیفر براساس میزان تقصیر، بر پایه مقررات حقوق جزای ماهوی و به‌طور خاص عمدی یا غیر عمدی بودن رفتارها، انگیزه‌های شر یا نیک و میزان نقش اشخاص در ارتکاب جرم صورت می‌گیرد (ایگل ۱، ۲۰۱۲، ۷۵). بنابراین، قانونگذار عموماً از ترکیب این دو شاخص برای تعیین طول مدت کیفر حبس یا سایر مجازات‌ها بهره می‌برد. با وجود این، نگاهی به مقررات کیفری ایران و ایالات‌متحده در زمینه کیفرگذاری جرایم مواد مخدر بیانگر آن است که مبنای اولیه تعیین کیفر میزان و کمیت مواد است و سطح سرزنش‌پذیری بزهکاران تنها از عوامل تشدید کننده کیفر محسوب می‌شود و این که اساس تعیین کیفر بر محور میزان مواد باشد و تقصیر بزهکار نقش حاشیه‌ای در این فرایند داشته باشد، مورد انتقادات برخی از پژوهشگران واقع شده است (کالینز ۲ و همکاران، ۲۰۰۵). رویکرد کمیت‌گرای قانونگذار برای کیفر بزهکاران مواد موجب می‌شود تا در بسیاری موارد واکنش کیفری متناسب با سطح تقصیر بزهکاران نباشد، به‌طوری که استفاده از آن گاه به سود برخی بزهکاران و گاه به ضرر برخی دیگر می‌شود. براین اساس، تأکید بیش از اندازه بر معیار کمی در هنجار گذاری کیفری و اتکا بر آن به‌عنوان معیار اصلی در تعیین کیفر، ضابطه‌ای منطقی برای برقراری تناسب جزایی محسوب نمی‌شود. به همین جهت، در ادامه پیامدهای حاصل از تأکید بر میزان مواد در کیفر گذاری بزهکاران مواد مخدر بررسی می‌شود.

چالش‌های تمرکز بر میزان مواد در تعیین کیفر - اتکا بر میزان مواد در تعیین کیفر این جرایم و نادیده انگاشتن مفهوم تقصیر آثار نامطلوبی را بر جای گذاشته است. در زیر، پیامدهای این موضوع تبیین شده است.

الف- بی مجازات ماندن عرضه کنندگان اصلی مواد مخدر

این موضوع که عوامل اصلی عرضه مواد مخدر و گردانندگان اصلی این جرایم استحقاق دریافت مجازات‌های طولانی دارند، امری پذیرفته شده در تمام نظام‌های کیفری است، لکن با توجه به کمیت گرایی در نظام تعیین کیفر جرایم مواد مخدر، در عمل استفاده از این الگو موجب امتیاز دهی ناخواسته این بزهکاران بر سایرین می‌شود. در واقع، در این جرایم اثبات جرم و به تبع آن تعیین کیفر براساس میزان مواد است و با توجه به این که توزیع کنندگان اصلی مواد در اکثر اوقات، در نگهداری یا توزیع مواد دخالتی ندارند(خالقی، ۱۳۹۰). عملاً از مجازات رهایی پیدا می‌کنند، حال آن که میزان تقصیر آن‌ها در ارتکاب جرم بسیار بیشتر از سایرین است. به باور کالکینز و همکارانش، تعیین میزان مجازات بر حسب میزان مواد نشان دهنده این است که کسانی که در رأس زنجیره عرضه هستند مجازات کم‌تری دریافت کرده، یا حتی مشمول هیچ مجازاتی نشوند (داف، ۱، ۲۰۰۷، ۲۲). از سوی دیگر، بزهکاران سطح پایین مواد مخدر به واسطه حضور در انتهای زنجیره توزیع مواد در جامعه بیشتر از توزیع کنندگان اصلی مشمول مداخله‌های کیفری واقع می‌شوند. چرا که از یک‌سو رفتار آن‌ها روئیت‌پذیرتر و در نتیجه شناسایی و بازداشت آنان بیشتر از سایرین است. از سوی دیگر، جمعیت آنان بیشتر از توزیع کنندگان اصلی است و بر همین پایه میزان بازداشت آنان فراتر از سایرین خواهد بود(کالینز، ۲۰۰۵، ۲). بنابراین به طور اصولی، این بزهکاران بیش‌ترین جمعیت کیفری زندان را



در جرایم مواد مخدر تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیقات کمیسیون تعیین کیفر نیز هماهنگ با آمارهای موجود تنها ۱۱ درصد زندانیان مواد فدرال را پر خطر دانسته که در سال‌های متعدد تکرار گردیده است (ایالات متحده امریکا، ۱۹۹۴، ۳). بنابراین، به نظر می‌رسد قانون‌های سختگیرانه موجود بیش از آن که عرضه کنندگان عمده مواد را پشت میله‌های زندان قرار دهد. موجب حضور طولانی مدت عرضه کنندگان سطح پایین در زندان‌ها شده است. به باور آن‌ها، تأکید بر میزان مواد در تعیین کیفر موجب می‌شود تا از یک‌سو مقامات پلیس برای ارائه ادله کیفری به بازداشت کسانی متمایل باشند که مواد در اختیار دارند و بنابراین بیش‌تر تلاش‌های مداخله‌های کیفری به بازداشت این دسته از اشخاص معطوف می‌شود. نتیجه نهایی این امر کم‌اهمیت شدن متغیر نقش اشخاص در ارتکاب جرم است، به طوری که توزیع کنندگان اصلی مواد می‌توانند با امنیت خاطر به مدیریت رفتارهای بزهکارانه ادامه دهند. در واقع معیار تعیین کیفر به الگوی جرم انگاری بزهکاران مواد مخدر تبدیل شده است، به طوری که بدون وجود مواد مخدر اصولاً امکان اثبات جرم و به دنبال آن اعمال مجازات وجود ندارد (حسینخانی، ۱۳۹۱).

این در حالی است که به باور برخی محققان در صورتی که بیشتر جمعیت زندان‌ها را بزهکاران سطح پایین تشکیل دهند، گزینه بازتوانی ضمانت اجرای مناسب‌تری نسبت به شدت کیفر تلقی می‌شود (کینگ و ماورا، ۲۰۰۲، ۴). اصرار بر این روش بدون پیش‌بینی عواقب و پیروی از همان الگوی فکری می‌تواند عوارض نامطلوبی به دنبال داشته باشد. یکی از راهکارهای اصلاحی توجه بیشتر بر تقصیر بزهکاران در چگونگی کیفر است.

ب) یکسان انگاشتن کیفر حاملان مواد با مالکان مواد به‌طور کلی، کیفر بزهکار مواد مخدر براساس مقدار موادی که در اختیار دارند و یا برای فروش عرضه می‌کنند، محاسبه می‌شود. در واقع، با توجه به میزان مواد نگهداری شده، آسیب بیشتری برای جامعه ایجاد می‌شود و از سوی دیگر، این امر نشان دهنده میزان اعتماد و جایگاه شخص در شبکه مواد مخدر و همچنین میزان درآمد حاصل از آن برای بزهکار است. وانگهی، منطبق بین کمیت مواد و شدت مجازات در رابطه با برخی اشخاص رنگ می‌بازد. دلالتان، حاملان مواد و به‌طور کلی، کسانی که مواد را برای فروش توسط دیگری نگه می‌دارند و در واقع مواد متعلق به خود آنها نیست، از این دسته‌اند. در بازارهای سطح بالای مواد این اشخاص عموماً در ازای دریافت مبالغ پایین مواد را برای مالکان آنها حمل و به توزیع کننده‌های بعدی در بازار می‌رسانند. در بازارهای سطح پایین نیز عرضه‌کنندگان ممکن است به‌عنوان یکی از شیوه‌های کاهش احتمال بازداشت از اشخاصی برای نگهداری مواد و به‌طور کلی کمک به آنها استفاده کنند (هریس، ۱، ۲۰۰۹).

بسیاری از محققان از یکسان بودن مجازات حاملان و مالکان مواد انتقاد کرده، بر ضرورت اصلاح الگوی تعیین کیفر با توجه به نقش این دسته از بزهکاران اصرار ورزیده‌اند. به باور بسیاری از آنان، تمرکز تعیین کیفر براساس میزان مواد با نادیده انگاشتن نقش این بزهکاران، مجازات‌هایی را فراتر از میزان تقصیر آنان معین ساخته است. برای کاهش تأثیر این موضوع در ایالات متحده، در صورتی که ثابت شود بزهکار تنها حامل مواد مخدر بوده، می‌تواند از طریق سازوکار تخفیفی از شمول مجازات اجباری معین خارج شود و در نتیجه میزان مجازات وی کاهش یابد (ایگل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲، ۴۷۱). با وجود این، نهادینه بودن معیار میزان مواد در تعیین کیفر و دشواری

1-harees

2-aegel

اثبات نقش این افراد در ارتکاب بزه موجب می‌گردد تا در عمل بسیاری از حاملان مواد هم ردیف با سایر بزهکاران شناخته شوند.

آگاهی از یافته‌های تجربی سایر کشورها و با اهمیت شمردن معیار تقصیر در چگونگی کیفر بزهکاران مفید خواهد بود. در سطح بین‌المللی نیز هر چند استفاده از حاملان برای حمل و نگهداری مواد تأثیر زیادی در توزیع موفقیت‌آمیز مواد مخدر دارد. ولی توجه به این نکته ضروری است که حامل شخصی است که در آزادی مبالغی اندک مواد را حمل می‌کند. بنابراین، سطح سرزنش‌پذیری پایین این دسته از اشخاص ایجاب می‌کند که میزان مواد مقدار معیار نهایی برای کیفر آنان تلقی نمی‌شود، بلکه به سطح تقصیر آنان نیز توجه شود (جندلی، ۱۳۹۳).

ج) سرزنش‌پذیرتر دانستن خرده‌فروشان مصرف‌کننده نسبت به سایر خرده‌فروشان بازگشت به مسأله بینش سودجویانه بزهکاران مواد مخدر و سنجش وجود آن در میان توزیع‌کنندگان مواد بر پایه پژوهش‌های جرم‌شناسی، موضوعاتی را در این حوزه آشکار می‌سازد که تاملاتی جدی بر تعیین مجازات بر مبنای میزان مواد می‌طلبد. پژوهش‌ها پیرامون شناخت عرضه‌کنندگان مواد روی دیگری از ماجرای فروش مواد را آشکار می‌سازد که بی‌مهری کارگزاران کیفری نسبت به آن قدری غیر قابل اغماض است. در این راستا، فروش برای مصرف به مثابه یک گونه رفتاری غالب در بازار مواد شناخته شده است که نگرش یکپارچه به توزیع‌کنندگان را منطبق با یافته‌های علمی موجود نمی‌داند (آلیو، ۱، ۱۳۸۹).

شمار زیادی از محققان، پژوهش‌های متعددی را در این زمینه انجام داده‌اند. مطالعه ورب<sup>۲</sup> و همکارانش عامل فروش مواد از سوی جوانان را وابستگی به مواد معرفی کرد (ورب و همکاران، ۲۰۰۸). میزان این موضوع تا اندازه‌ای است که واگن

1 -alive

2 -verb

و همکاران او جز لاینفک مصرف را فروش مواد می‌پندارند(واگن<sup>۱</sup>) و همکاران،  
۲۰۱۱، ۱۰۹).

بنابر پژوهش‌ها، این فروشندگان حتی بیش‌تر از فروشنده‌های مصرف‌کننده به مواد وابسته‌اند. این امر به نوبه خود ضرورت مداخله‌های درمانی نسبت به آن‌ها را آشکارتر می‌سازد. در این زمینه، نتایج برخی مطالعات مبنی بر کاهش فروش مواد از سوی شرکت‌کنندگان در برنامه‌های درمانی، احتراز از مجازات‌های سخت‌گیرانه و التزام به این برنامه‌ها در خصوص این دسته را موجه می‌سازد. براساس نتایج پژوهش گرسوپ و همکارانش، کسانی که در برنامهٔ درمان با متادون شرکت می‌کردند، گزارش کاهش فروش بیش‌تری را نشان دادند؛ به طوری که تقریباً میزان فروش مواد در طول یک سال به کم‌تر از یک پنجم از زمان ورود به برنامه رسید. این موضوع به معنای اثر بخشی برنامه‌های درمانی نسبت به مصرف‌کننده‌های فروشنده است(کلنسی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴، ۲۹۵). بال و روز نیز به نتایج مشابهی رسیدند آنان کاهش قابل ملاحظهٔ فروش مواد را از سوی خرده فروشان مصرف‌کننده که در برنامه‌های درمانی شرکت کردند یافتند. مطالعات دیگر هم مداخله زودرس در درمان این جوانان را قبل از ورود آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کنند. افزون بر این، گاه این اشخاص با به عهده‌گرفتن نقش‌های کم اهمیت همچون دلالان یا حاملان و دستیاران مواد و در عین حال پر خطر، به تامین مواد مورد نیاز خویش می‌پردازند. حال نادیده انگاری این موضوع و عدم تمیز میان آن‌ها و سایر فروشندگان در فرایند تعیین کیفر و اتکا بر میزان مواد کشف شده، سرزنش‌پذیری پایین‌تر بزهکاران مذکور را در نظر نمی‌گیرد.

---

1 -vagon

2 -Clancey

ح) عدم تناسب میان جرم و مجازات مواد مخدر

بدیهی است که هیچ‌کس مخالف تنبیه و مجازات مجرمین نیست، اما به اعتقاد حقوقدانان تناسبی میان نوع جرم و مجازات آن در جرایم مواد مخدر وجود ندارد و در همین راستا مجازات اعدام در مورد مواد مخدر در یکی دو سال گذشته مورد نقد و بررسی بسیاری قرار گرفته است. از حیث دخالت دادن میزان مواد در میزان مجازات نظام کیفری بیشتر ما از سیستم سایر کشورها الگو گرفته در حالی که نظم حقوقی جدید حاکم بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مخالف به خرج دادن چنین شدتی در خصوص مجازات اعدام در مورد مواد مخدر (توسط اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹) است. از این رو، لازم است برای رعایت تناسب میان جرم و مجازات در خصوص اعدام مواد مخدر که ماهیتا هم بیشتر تعزیری محسوب می‌گردد بازنگری به عمل آید (باصری، ۱۳۸۴). قانون مبارزه با مواد مخدر یک سیاست کیفری شدید دارد و متأسفانه بحث جرم‌شناسی جدی درباره علل و عوامل پدیده قاچاق مواد مخدر صورت نگرفته است. بعد حقوق دفاعی در آیین دادرسی کیفری، در سیاست کیفری قانون مبارزه با مواد مخدر وجود نداشته است و لازم است که این سیاست تعریف شود. تاکنون از تعدد قضات در جرایم مهم مواد مخدر استفاده نکرده‌ایم. همچنین عدم لحاظ تجدید نظرخواهی برای محکومان و وکلای آن موضوعی است که باید به آن توجه کرد. رسیدگی به جرایم مربوط به مواد مخدر غیر علنی است و علمای آیین دادرسی کیفری، از جمله آخوندی، در هر زمانی به این شیوه رسیدگی انتقاد داشتند. امروز بعد از سه دهه به این نتیجه رسیدیم که راجع به مجازات اعدام فکر کنیم.

## ح) عدم کارایی کیفر اعدام

رابطه‌ای میان کاهش میزان قاچاق مواد مخدر و اعدام قاچاقچیان وجود ندارد. دو گروه همیشه در صحنه اعدام قاچاقچیان حضور دارند. گروه اول افرادی هستند که تماشای این صحنه‌ها باعث ترسو تر شدن آنها خواهد شد. گروه دوم قاچاقچیان و مجرمان هستند تماشای صحنه اعدام اغلب باعث کاهش انگیزه آنها برای بروز جرم نخواهد شد، بلکه راه و روش قاچاق را تغییر می‌دهد.

امروزه، در ایران علیه قاچاقچیان مجازات‌های بسیاری صورت می‌گیرد. اما آمارها از افزایش روز به روز قاچاق مواد مخدر در کشور خبر می‌دهند بنابراین اعدام منجر به کاهش بروز جرم نخواهد شد. بهترین راه جلوگیری از قاچاق مواد مخدر کاهش انگیزه‌های مجرمانه است. مهم‌ترین عاملی که باعث بروز جرم و جنایت می‌شود بیکاری است متأسفانه در جامعه ما فرصت‌های برابر و اشتغال به اندازه کافی وجود ندارد. اهداف مهم برای انسان‌ها هر روز مشخص می‌شوند، اما راه‌های رسیدن به آنها برای همه وجود ندارد نبودن راه‌های کافی برای رسیدن به اهداف افراد در زندگی باعث بروز کج روی‌ها در جامعه خواهد شد. متأسفانه، در جامعه فاصله طبقاتی در حال افزایش است که این مسأله توانسته باعث افزایش جرم و جنایت، خودکشی و فرار از خانه شود. فاصله طبقاتی در تحریم طبقه دوم محروم برای انجام کج روی‌های اجتماعی بسیار مؤثر است (بولک، ۱۳۸۷).

**اهداف کلی:** بررسی چالش‌های حقوق کیفری در جرایم مواد مخدر در ایران

**اهداف فرعی:** ورود حقوق کیفری در جرایم مرتبط با مواد مخدر هزینه بردار

است.

جرایم مرتبط با مواد مخدر دارای گستردگی است.

عدم تطابق جرم با مجازات در جرایم مرتبط با مواد مخدر است.

عدم دستیابی به بازده مناسب در جرایم مرتبط با مواد مخدر است.

### سؤال اصلی

حقوق کیفری در جرایم مواد مخدر در ایران دارای چه چالش‌هایی است؟

### سؤال‌های فرعی

۱- آیا ورود حقوق کیفری در جرایم مرتبط با مواد مخدر هزینه بردار است؟

۲- آیا جرایم مرتبط با مواد مخدر دارای گستردگی است؟

۳- آیا عدم تطابق جرم با مجازات در جرایم مرتبط با مواد مخدر هست؟

۴- آیا عدم دستیابی به بازده مناسب در جرایم مرتبط با مواد مخدر هست؟

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت فیش برداری است.

### یافته‌ها و نتیجه‌گیری

در نظام تقنینی ایران، میزان مواد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده برای میزان شدت کیفر محسوب می‌شود. بر این پایه، کیفرها هماهنگ با نقش‌های افراد در جرایم مواد مخدر توزیع نشده است و به همین دلیل نمی‌تواند در نهایت شاخص مناسبی برای تعیین شدت جرم و کیفر به شمار آید. تعیین کیفر بر مبنای میزان مواد ریشه در دیدگاه فایده‌گرایانه قانونگذار و تأکید بر جلوگیری از آسیب به مردم دارد. اما حتی با پذیرش این دیدگاه نیز فایده‌گرایی به خوبی تأمین نمی‌شود؛ چرا که توزیع کنندگان اصلی مواد با تکیه بر همین معیار امکان رهایی از مجازات را خواهند داشت. بنابراین، بهتر است به جای تأکید بر همین معیار میزان مواد، سطح تقصیر بزهکاران به‌عنوان معیار اولیه در تعیین میزان در نظر گرفته شود.

در همین راستا، آگاهی به این موضوع که بیشترین کسانی که تحت تأثیر این معیار مشمول مجازات‌های طولانی می‌شوند، بزهکاران سطح پایین بازارهای مواد مخدر هستند. نقش مهمی در تغییر رویکرد قانونگذار دارد. در واقع، بهتر است از طریق کاربست برنامه‌های پیش‌گیرانه تلاش شود تا از میزان حضور این افراد در بازار کاسته شود. تا این که با اجرای ضمانت‌های اجراهای طولانی این مشکلات پیچیده‌تر شود. در این صورت، با توجه به اینکه حجم بسیار زیادی از بزهکاران خرده فروش را مصرف‌کنندگان تشکیل می‌دهند، اجرای سیاست‌های توان‌بخشی به جای الزام آنان به تحمل کیفرهای طولانی مدت، می‌تواند در کاهش این جرایم و عقلایی کردن مقابله با مواد مخدر بسیار مؤثر باشد. همچنین، انجام اصلاحاتی در قانون مبارزه با مواد مخدر به منظور تخفیف قانونی کیفر حاملان غیرمالک و توانمندسازی خرده‌فروش‌های مصرف‌کننده پیشنهاد می‌شود.

افزون بر این، نتیجه‌گیری می‌شود که در بسیاری از موارد مانند الزام استفاده از کمربند و کلاه ایمنی قاعده کیفری تنها به اعتبار جلوگیری از ایراد ضرر به خود فاعل موجه شناخته نمی‌شود، بلکه به دلیل جلوگیری از صدمات فراوانی هم که ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم به دیگران و جامعه وارد شود توجیه‌پذیر خواهد شد. همچنین با تعریفی که از دو مفهوم جرم و انحراف نمودیم، به این نتیجه می‌رسیم که مقابله با جرم غالباً با توسل به ضمانت اجراهای کیفری صورت می‌گیرد. در حالی که روش‌های مقابله با انحرافات بنابر طبیعت رفتار منحرف غالباً خارج از چارچوب ضمانت اجراهای کیفری می‌باشد و رویکرد قانونگذار کیفری ما یک برخورد سخت‌گیرانه است، معمولاً هر جا یک رفتار مقدمه جرم دیگر بوده است. این در حالی است که بایستی به ضمانت اجرای کیفری و مجازات به‌عنوان آخرین وسیله، متوسل شویم. در حالی که امکان پیشگیری از برخی جرایم را از طرقی غیر از



کیفر داشته باشیم، به سازوکارهای کیفری نایستی متوسل شویم، ولی عدم کارایی برنامه آموزشی و تربیتی و حتی درمانی تا زمانی که از طریق تجربه ثابت نشده، توجیه ندارد.

در حقوق کیفری اسلامی نیز تحریم و تجریم با همدیگر هم‌پوشانی نداشته و در این راستا نمی‌توان گفت باید هر عمل حرام را کیفر داد و بلکه کیفر در فقه جزایی اسلام و نیز در قالب «آخرین راه حل» مورد توجه است و عوامل متعددی چون توبه، ستر و پوشاندن گناه توسط مرتکب و دیگران، توجه به راه‌کارهای غیر کیفری در پیشگیری از اعمال ممنوعه و تدریج و میانه روی در نزول احکام و دیگر دلایل بر عدم اولویت مجازات‌ها تأکید دارند.

طبق مطالبی که گفته شد، هزینه‌بردار بودن، گستردگی فراوان جرایم، عدم تطابق جرم با مجازات، عدم دستیابی به بازده مناسب از مهم‌ترین چالش‌های ورود حقوق کیفری در جرایم مرتبط با مواد مخدر است. همچنین، مهم‌ترین برنامه سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران محدود کردن موارد، به‌کارگیری مجازات اعدام در حوزه مواد مخدر می‌باشد.

طبق مطالب گفته شده در این تحقیق، موضوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در جامعه باید آنگونه مورد نكوهش باشد که شخص و افراد مصرف‌کننده خود به قبح موضوع پی برده و برای ترک اعتیاد خود اقدام نمایند و همچنین جوانان و نوجوانان این عمل را ناپسندیده دانسته و از ارتکاب این اعمال خودداری کنند و در نهایت بتوان از جرم‌انگاری در جامعه استفاده کرد و استفاده از حقوق کیفری بایستی زمانی ضرورت داشته باشد، در جاهایی که راه‌کارهای دیگر پاسخگو نبوده است.

در حقوق داخلی ما از نظر ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در مورد جرایم مواد مخدر از نظر شدت همواره سیر صعودی داشته و دولت‌ها هر از چندگاهی جهت

تشدید مبارزه و ایجاد ارباب افزون تر کیفرهای مقرر در قانون را شدت می‌بخشیدند. مقررات شکلی حاکم بر جرایم مواد مخدر در کشور ما دارای نواقص و ایراداتی است. چون در حقوق ما برای برخورد با این معضل جهانی صرفاً به برخورد کیفری پرداخته و هرگز نتوانسته در مبارزه با این معضل به موفقیت‌هایی دست یابد، بنابراین بایستی سعی گردد تا به جای برخورد صرفاً کیفری در حقوق داخلی، با این قضیه با اهداف جهانی در مبارزه، هماهنگی شد. تعیین مجازات‌هایی چون شلاق، اعدام در قانون جدید نه تنها با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی سیاسی و مدنی هماهنگ نیست، بلکه همچنان با مفاد کنوانسیون ۱۹۸۸م در تضاد است.

### پیشنهادات تحقیق

طبق نتایج پژوهش پیشنهاد می‌گردد برخورد و مبارزه با یک پدیده مخالف نظم اجتماعی، نیازمند ارائه یک سری راه‌کارهای منطقی و مبتنی بر شناخت کمی از آن موضوع و یافتن سازکارهای مناسب جهت مقابله با آن است. پدیده شوم و خطرناک قاچاق مواد مخدر نیز از این امر دور نبوده و مبارزه با آن مستلزم اقدامی فراگیر و همه جانبه از ابعاد این اقدام، تهیه و تدوین قوانین مناسب و مؤثر می‌باشد.

همچنین، در قوانین داخلی ما به جای استفاده از کلمه مبارزه از لفظ پیشگیری استفاده نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در قوانین و اصلاحات بعدی مجازات‌های بدنی، اعدام و شلاق که جزو افساد بیش‌تر و امحاء شناعت و قباحت اعمال مجرمانه و انزوای ایران در نزد افکار جهانی ثمری ندارد، حذف گردد.

پیشنهاد می‌گردد قوانین مربوط به مواد مخدر توسط یک هیأتی مرکب از متخصصین علوم مختلف نظیر جرم‌شناسان، حقوقدانان، جامعه‌شناسان، پزشکان و... تدوین گردد. یکسان‌سازی جرایم در سطح بین‌المللی موجبات معاضدت قضایی را فراهم می‌آورد.

امروزه، لزوم آشنایی دانش آموزان با مواد مخدر و اعتیادآور و آگاهی از اثرات مخرب و جبران ناپذیر آن بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد تا درکی از کتب درسی دانش آموزان، مبحثی تحت عنوان آشنایی با مواد مخدر و اعتیادآور گنجانده شود تا معلمان و مربیان دوره دیده با آگاهی بخشی و اطلاع رسانی در این زمینه پرداخته.

لازم است با آموزش قوانین در مراکز آموزشی و سهل‌گیری در ترک اعتیاد، در جهت جلب اعتماد معتادان گام‌های اساسی برداشته شود و هر معتادی بداند بدون هیچ دغدغهای چنان‌چه به یکی از مراکز دولتی یا خصوصی برای ترک اعتیاد مراجعه کند، بدون تحمل هیچ مجازات و عقوبتی نهایت همکاری با وی خواهد شد و از آن جا که مردم به دلیل بی‌اطلاعی گاه برای ترک اعتیاد به دادگاه مراجعه می‌کنند، در این جا هم ارفاق‌های لازم برای معتادان خود معرف در نظر گرفته شود.

#### منابع:

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری عمومی کیفر شناسی نو. انتشارات جنگل جلد سوم ۳۸-۱۱
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم شناسی پیشگیری تهران: نشر میزان، چاپ اول، جلد ۱
- ابراهیمی، شهرام، رجیبی، ابراهیم، (۱۳۸۹). پیشگیری در نظریه های جرم شناسی و گستره محدودیت های آن آموزه های حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی شماره ۱۳.
- ابراهیمی، محمد حسن، (۱۳۹۱). رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان با تاکید بر عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران
- آتشین، شعله (۱۳۸۱) ما، اعتیاد جامعه موسسه فرهنگی انتشاراتی گوهر منظوم، چاپ اول، جلد ۱
- اسد افروز، محمد تقی (۱۳۸۷) ریشه یابی اعتیاد و ترک ماده مخدر انتشارت کوشا مهر چاپ اول.
- اسعدی، سید حسن و سیده نگاره، (۱۳۸۹). پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و روان گردان. انتشارات آستان قدس رضوی.

- آلیو، فاستر، (۱۳۸۹). مجموعه حقایق آشکار از مواد مخدر کراک مترجم سید مهرداد مظهر و دیگران. تهران: ناشر دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- امیدی، جلیل، (۱۳۸۸). «سنت نبوی و عدالت کیفری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۲۱-۳۴
- باصری، علی اکبر، (۱۳۸۴). پژوهشی علمی کاربردی درباره مواد مخدر، نشر وفاق
- بیات، بهرام، (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- بولک، برنار (۱۳۸۷) کیفر شناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی (ویراست پنجم). تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم.
- جندلی، منون (۱۳۹۳). درآمدی بر پیشگیری از جرم. ترجمه شهرام ابراهیمی، انتشارات میزان،
- جوان جعفری، عبدالرضا، سید زاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۱). رهنمون های پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
- حسینخانی، علی (۱۳۹۱). بررسی علمی و کاربردی مصرف مواد مخدر و روان گردان در شهر تهران (پایان نامه ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- خالقی، علی، (۱۳۹۰) آئین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ نهم،
- رجبی پور، محمود، (۱۳۸۳). درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم، فصلنامه دانش انتظامی از وقوع جرم سال ششم، شماره دوم.
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۶). سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر. تهران: انتشارات سمت.
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۳). حقوق کیفری مواد مخدر ناشر: میثاق عدالت چاپ اول.
- رحمدل، منصور، (۱۳۸۳). اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در ایران؛ جرم زدایی یا جرم انگاری. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۹، صص ۲۴۳-۲۰۳.
- رحیمی، فاطمه، (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی با تاکید بر نقش سازمان های مردم نهاد در پیشگیری از اعتیاد. فصلنامه پژوهش های روان شناسی اجتماعی شماره ۴.
- صالح آبادی، ابراهیم، سلیمی امان؛ آباد محسن، (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک زندگی جوانان و گرایش به مصرف مواد مخدر صنعتی در شهر شیروان، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، شماره ششم ۷۰-۵۰.

عباچی، مریم، (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان مجله حقوقی دادگستری. شماره ۴۷

عزت، عبدالفتاح، (۱۳۸۱). جرم چیست و معیارهای جرم انگاری کدام است، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد مجله حقوقی دادگستر، شماره ۴۱، زمستان

عصمت پناه؛ ام البنین، خاکشور؛ حسین، (۱۳۸۸). تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر گرایش نسبت به مواد مخدر در مراجعه کنندگان به مراکز درمان و بازتوانی اعتیاد، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد. سال سوم، شماره دوازدهم.

عوده، عبدالقادر (۱۴۰۳). التشریح الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، الجز الول، الطبعه الرباطه موسسه الرساله.

غنوشی، راشد (۱۳۸۱). آزادی های عمومی در حکومت اسلامی، ترجمه ی حسین ابری، چاپ اول شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ملکشاهی، محسن، (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر گرایش به مواد مخدر صنعتی در بین مراجعین مراکز اعتیاد شهر ایلام، (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.

مهدوی، محمود، (۱۳۹۱). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)، تهران، انتشارات سمت.

موسوی چلک، سید حسن و دیگران (۱۳۸۹). مواد مخدر صنعتی و نوین و پیامدهای اجتماعی آن. انتشارات شلاک. چاپ اول

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، (۱۴۱۳). فقهاالحدود و التعزیرات، الطبعه الاولى. مکتب الاعلام الاسلام.

میر خلیلی، سید محمود، (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام انتظارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

Adelman, Howard. Taylor, inda (2007). Fostering school. Family and Community Involvement. The Hamilton Fish Institute on school and Community Violence & Northwest Regional Educational.

Anthony, Petrosino, Derzon Janes, (2009). The Role of Family In Crime and Delinquency Evidence From prior Quantitative Reviews. Southwest Journal of Criminal Justice Vol 6(2). PP 108-132

- Clancey, Garner (2014). Implications of a Local case Study for Crime Prevention Practice and Policy and Criminology s Grand Narratives. Faculty of Law, The University of Sydney.
- Duff, R. A. (2007). Answering for Crime; Responsibility and liability in the Criminal Law, Hart Publishing, Canada.
- Engle (2012). Low Self – Coontrol as a Source of Crime A Meta – Study. Bonn, Max Planck Intitute.
- Husak, Douglas (2010). The Philosophy of Criminal Law, First Published. Oxford University Press. New York.
- Poollyanna F. P. et (2016). Process evaluation of the implementation of the Unplugged Program for Drug use Prevention in Brazilian Schools. Subst Abuse Treat Prev Policy. 11:2

